



زنگ‌های خطر برای نسل آینده به صدا درمی آید

# عزت عفت، جولان مدگرایی

اشاره:

ادیان الهی همگی دعوت‌کننده به توحید و یا همان خدای واحد هستند. از همین روی مسیرها و ارزش‌هایی که برای رسیدن به خدای واحد اشاره و معرفی می‌کنند، اشتراکات و همخوانی‌های بسیاری دارد. از بین این ارزش‌های مشترک، می‌توان به حیا و عفت، پاکدامنی، پوشش، رعایت حقوق دیگران و ... اشاره کرد. انسان امروز، هویت اصلی خود را در گرداب دهشتناک تجددگرایی و مد جستجو می‌نماید و آنچه حاصل این کنکاش است، چیزی جز بی‌هویتی نیست. پدید آمدن پوشاک، امری تصادفی یا خواستی فردی نبوده است. پوشاک بر مبنای تفکرات و نیازهای اقلیمی، مادی و معنوی اقوام به وجود آمد و آیین تمام‌نمایی از تاریخ زندگی بشر شد. شهید مطهری می‌گوید: «حیا و عفاف از ویژگی‌های درونی انسان است و حجاب به شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش برمی‌گردد. تفاوت باطن و ظاهر یا روح و جسم و یا گوهر و صدف را می‌توان به عنوان تمثیل در این زمینه به کار برد. به گمان ما این‌ها دو حقیقت هستند و میزان دل‌بستگی این دو، نیاز به تأمل دارد.»

یکی از داستان‌ها ذکر می‌شود که «آرتمیس» بسیاری از انسان‌هایی را که به او تعرض کردند یا آیین‌های او را به جای نیاوردند، به قتل رساند. یکی از آن‌ها «اکتایون» بود که هنگام آب‌تنی «آرتمیس» را دید، الهه از ظن این‌که مبادا وی به کسی بگوید که او را به هنگام شنا برهنه دیده، «اکتایون» را تبدیل به گوزن کرد و سپس خوراک سگ‌های شکاری خود ساخت.

آثار به جای مانده مربوط به چهارده قرن قبل از میلاد در مصر، ملکه را با «پوشش» نمایش داده است. نقش برجسته‌های موجود در موزه‌های بریتانیا، برلین و ناپل با قدمتی در حدود سه هزار سال قبل از میلاد، نشانگر پوشش کامل زنان در این دوره می‌باشد. در روم و ایران باستان نیز زنان شهرنشین و ثروتمند خود را می‌پوشاندند و از نظرها دور نگه می‌داشتند. زنان آشوری به حجاب بدن و صورت و سر عادت داشتند و در روسیه نیز شواهدی دال بر وجود حجاب تا هنگام سلطنت پطرکبیر موجود می‌باشد.

در عصر مدرنیته و دنیای کنونی امروز، همچنان که شاهد تحول شگرف و انقلاب عظیم در عرصه‌های مختلف علم و دانش هستیم، هر لحظه افق‌های تازه‌ای به رویمان

مربوط می‌سازد. به همین دلیل عقیده عده‌ای بر این مبنا که «مذهب» موجد حجاب است صحت ندارد، اگرچه نمی‌توان نقش مذهب را در دگرگونی و تکمیل حجاب نادیده انگاشت.

دایره‌المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پامی پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر «کورس» و «امرجوس» و دیگر جزایر ساخته می‌شود. ویل دورانت - تاریخ‌نویس مشهور جهان - درباره مردم یکی از قبایل که ۹۰۰ سال قبل از میلاد زندگی می‌کردند، آورده است: «بالتر از «ارمیان» و در کنار «دریای سیاه»، «سکاها» بیابانگردی می‌کردند. آن‌ها مردم درشت‌اندام و قبائل جنگی نیمه‌مغول و نیمه‌اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در اربابه به سر می‌بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند.»

در ادبیات یونان باستان، از الهه‌ای به نام «آرتمیس» نام برده می‌شود. او مظهر «عفت» بوده و کسانی را که «بی‌عفتی» می‌کردند، مجازات می‌نمود و از پاکدامنی زنان و مردان دفاع می‌کرد. افسانه‌های جالبی در رابطه با این الهه وجود دارد. در

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان؛ حجاب در بین زنان و مردان معمول بوده است و از عادات قدیم تمدن‌های بشری محسوب می‌شود. اگرچه مقوله حجاب در روند تاریخی خود فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و با اعمال سلیقه حاکمان تشدید و یا تخفیف یافته، ولی هیچ‌گاه به صورت کامل از میان نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌نمایند. بررسی علل موجود و آثار و نقوش به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی، سابقه پیدایش حجاب را به دوران پیش از مذاهب

کالا، ارزشی دوگانه پیدا کرد. طراحان و دوزندگان لباس، با بهره‌گیری از گرایش مردم به تنوع‌طلبی و نوجویی و با استفاده از جریان‌هایی چون جنگ، بحران‌های اقتصادی، تحولات فرهنگی و سیاسی، طرح‌های تازه‌ای ارائه دادند و بر خلاف سده‌های پیشین که نوآوری‌های خود را در کسوت مانکن‌های چوبی و مومی لباس بر تن به نمایش می‌گذاشتند، اکنون به یاری رسانه‌های گروهی چون سینما، تلویزیون و نشریات مد که بُردی کاملاً جهانی دارند، آن را مورد پذیرش قرار می‌دهند. دیگر کمتر تمدنی را می‌توان دید که در حیطة تمدن امروز قرار گرفته و پوشاک سنتی خود را حفظ نموده باشد.

**ادیان الهی، عرصه جغرافیایی و عفت**  
حجاب موضوعی است که تمام ادیان الهی بر آن تأکید کرده‌اند و در متون و منابع همه ادیان قابل ریشه‌یابی است. حجاب را می‌توان از دو منظر تفکیک‌ناپذیر مورد توجه قرار داد. حجاب ظاهری که شامل پوشش سر و اندام است و حجاب باطنی که همان عفت و سلامت نفس است. معنای لغوی حجاب، پوشش است و پوشش به عنوان یک مسئولیت، خاص زنان نمی‌باشد و مردان نیز بر توجه به این مقوله امر شده‌اند. این مسئولیت تاریخی زن و مرد، قدمتی به اندازه خلقت بشر دارد. ابتدایی‌ترین پوشش توسط برگ درختان صورت می‌گرفته و آدم و حوا به عنوان نخستین انسان‌های روی زمین، آن را مورد توجه قرار داده‌اند. پوشش را به عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده شخصیت، از دو جهت تقسیم‌بندی کرده‌اند: پوشش بر مبنای جغرافیا و پوشش براساس مذهب یا عقیده.

گشوده می‌شود که به موازات این پیشرفت و صعود حیرت‌انگیز و فرصت‌های به دست آمده، تهدیدها و آفت‌هایی نیز ظهور و بروز می‌یابد، به طوری که گاهی محصول تمدن جدید، انسان‌ها را از عقبه پیشینه خود که «اصالت بشری» است، دور نگه می‌دارد و رفته‌رفته دایره معنویت و حیات واقعی انسان را که مشتمل بر «سعادت اخروی» است، تنگ‌تر می‌نماید. به نظر می‌رسد ثمره این اتفاق ناگوار، افول فرهنگ‌های اصیل و پیدایش خرده فرهنگ می‌باشد، تا جایی که مشاهده می‌کنیم حتی شخصیت ظاهری و فیزیکی انسان‌ها که گاهی در پوشش زنان و مردان تبلور می‌یابد، از همین نوع نگرش مادی‌گرایی متأثر می‌شود.

نظم و هماهنگی پوشاک دوران باستان، در قرون وسطی جای خود را به شکل و ظاهری شکوهمند داد و در عصر رنسانس پر زرق و برق شد و صورتی تجملاتی یافت و سپس در عصر نوین شکلی نامشخص و رمزگونه به خود گرفت. در کنار گونه‌گونی سلیقه‌های ساکنان زمین، لباس اروپایی شاهد تحول دائمی بوده است. در آستانه قرن نوزدهم پوشاک شکل نهایی خود را به دست آورد و اسامی آن معین و رده‌بندی شد و زمینه و مسیر اصلی تکامل لباس تا آغاز قرن بیستم مشخص گردید. با آغاز جنگ جهانی دوم، جنگی که بنیان تمدن را تکان داد، تکامل لباس شکلی انقلابی به خود گرفت و لباس که بازتابی است از توان اقتصادی، نگرش سیاسی، قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی، باورهای مذهبی و فلسفی و پایبندی‌های رسمی و سنتی، در روند تکامل خود، زیر نفوذ و سیطره نظام نقشه‌دار سرمایه‌دار قرار گرفت. در این نظام، پوشاک جایگاهی دیگر یافت و به کالا تبدیل شد و مانند

**در ادبیات یونان باستان، از الهه‌ای به نام «آرتمیس» نام برده می‌شود. او مظهر «عفت» بوده و کسانی را که «بی‌عفتی» می‌کردند، مجازات می‌نمود و از پاکدامنی زنان و مردان دفاع می‌کرد.**

**معنای لغوی حجاب، پوشش است و پوشش به عنوان یک مسئولیت، خاص زنان نمی‌باشد و مردان نیز بر توجه به این مقوله امر شده‌اند.**

**در زمان زرتشت اگرچه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می‌کرده و همپای مردان به کار می‌پرداخته، ولی این امور با حجاب و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است.**



### پوشش براساس جغرافیا

اولین مطلبی که در مورد پوشش مطرح می‌شود، حفاظت از بدن است. انسان برای محافظت در مقابل عواملی که ممکن است به اندام او آسیب برساند، آن‌ها را می‌پوشاند. آب و هوا که به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای آسیب‌رسان به بدن مطرح می‌باشد، به سه بخش آب و هوای سرد، معتدل و گرم تقسیم می‌شود.

در آب و هوای گرم، آفتاب سوزان و شدت تابش آن باعث بروز بیماری‌های مختلف پوستی همانند سرطان پوست و ناراحتی‌های بینایی می‌شود. افراد ساکن در محدوده جغرافیایی گرمسیر، البسه گشاد بر تن می‌کنند تا بین بدن و لباس آن‌ها جریان هوا در حرکت باشد و از چسبیدن لباس به تن و تعریق جلوگیری شود. لباس در این نواحی، وسعت پوشش زیادی دارد و به صورتی طراحی می‌شود که بیشتر اندام‌های بدن را بپوشاند تا از معرض تابش نور مستقیم خورشید در امان بمانند. رنگ این لباس‌ها اصولاً سفید و روشن است تا نور منعکس گردیده و میزان جذب گرما به حداقل برسد. لباس اعراب نمونه بارز پوشش در مناطق گرمسیری است.

در مناطق سردسیر به علت کمبود آفتاب و برودت هوا، باید بیشترین استفاده را از آفتاب اندک داشت. بنابراین لباس‌ها تنگ و چسبان می‌باشد. با چسبیدن لباس به بدن، از برون‌رفت گرمای طبیعی بدن جلوگیری می‌شود. پوشاک اصولاً از پوست حیوانات و پارچه‌های ضخیم تهیه می‌شود و بیشترین قسمت‌های بدن را می‌پوشاند. رنگ البسه اکثراً تیره رنگ و سیاه در نظر گرفته می‌شوند تا انعکاس نور کمتر و جذب گرما بیشتر شود.

در مناطق معتدل، گرما از حداقل و حداکثر، به حد متوسط تبدیل می‌شود و لباس‌ها از

لحاظ رنگ به تعادل می‌رسند و الزامی در گشادی و تنگ بودن آن‌ها وجود نداشته و به سلیقه و روحیه فرد بستگی دارد.<sup>۴</sup>

### پوشش براساس مذهب

**نگاه زرتشتیان به پوشش:** مرکز ظهور زرتشت، ایران بود. زنان ایرانی از زمان مادها که نخستین ساکنان این سرزمین بودند، پوشش کامل داشتند که پیراهن بلند و چین‌دار، شلوار تا مچ پا و شنل بلند بوده که بر روی لباس‌ها بر تن می‌کردند. تأکید و سفارش موبدان به حفظ پوشش و حجاب، برگرفته از اصول اساسی این آیین در کتاب آسمانی گاتا زرتشت است. اصولی چون امنیت کامل، ایجاب می‌کند که پیروان این آیین پوشش و حجاب را

رعایت کنند.

حجاب در میان زرتشتیان به گونه ذکر شده تا زمان بعثت پیامبر (ص) ادامه داشته است. با توجه به متون تاریخی، در زمان زرتشت اگرچه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می‌کرده و همپای مردان به کار می‌پرداخته، ولی این امور با حجاب و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است.<sup>۵</sup>

پوشش برای مردان زرتشتی شامل کلاه و لباس بلند و شلوار و برای خانم‌ها علاوه بر پوشش کامل دست و پا و بدن، شامل چارقد نیز بوده است. لزوم پوشاندن موی سر در مراسم عبادی و حرمت نگاه به زنان، از روش‌های عملی مورد تأکید جامعه زرتشتیان بوده است.



**پوشش در آیین یهود:** در مواضع متعددی از کتاب مقدس «تورات» و کتاب فقهی «تلمود» که یکی از کتاب‌های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است، به صورت صریح و روشن، وجوب پوشش سر از نامحرمان در بیرون از خانه - حتی برای عبور از راه مخصوص بین دو خانه - نهی از تشبیه زن به مرد و بالعکس در لباس پوشیدن، منع لمس و تماس و اختلاط با زن بیگانه، پرهیز از آرایش و ناز و غمزه و به صدا درآوردن خلخال‌های پا که موجب نزول قهر و عذاب الهی می‌گردد، بیان شده است. در «تلمود» برای متخلفان از قانون حجاب، مجازات سنگین «طلاق بدون پرداخت مهریه» را پیش‌بینی کرده است. چنانچه زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، مثلاً بی‌آنکه سر را پوشانده باشد به میان مردم می‌رفت و یا صدایش آن‌قدر بلند بود که همسایگان می‌شنیدند، در آن صورت مرد بدون پرداخت مهریه او را طلاق می‌داد. در تورات از چادر، برقع و روبنده‌ای که

زنان با آن سر و صورت و اندام خویش را می‌پوشاندند، به طور صریح نام برده شده است. در بین یهود و مللی که از آیین فکری آن پیروی می‌کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می‌خواست، وجود داشت. در بین معتقدان به آیین یهود، وجه و کفین (صوت و دست‌ها) هم پوشیده می‌شد. حتی گاهی سخن از پوشش زن در چهره و بدن فراتر رفته و بحث پنهان کردن زن‌ها از جامعه مطرح گشته است.<sup>۶</sup>

معلمان مذهبی یهود بر عفت و پاکدامنی زن و ارزش‌گذاری به حفظ وقار و حجاب تأکید خاصی داشته‌اند. در تورات آمده: «متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این را کند، مکروه یهود خدای تو است.»<sup>۷</sup>

**پوشش در نگاه مسیح:** مسیحیت نه تنها احکام سخت یهود را استمرار بخشیده، بلکه در برخی موارد آن را تشدید نموده و در برخی از آیات انجیل کوشیده آن را شدت بیشتری بدهد. «انجیل» نه تنها در مواضع متعدد وجوب حجاب و پوشش را تذکر داده است، بلکه در برخی از آیات خود کوشیده است درون را از تمایل به اعمال شهوانی منزه سازد و بدین وسیله عفاف درون را پشتوانه مستحکم حجاب برون قرار دهد. در کتاب مقدس مسیحیان، به طور صریح آیاتی درباره لزوم عفت و خانه‌نشینی، اراستگی زن به حیا، پرهیز از آرایش با زیورآلات و بافتن موی و وجوب پوشاندن موی سر خصوصاً در مراسم عبادی، سکوت در کلیسا و داشتن وقار آمده است.<sup>۸</sup>

**نگاه اسلام به عفت:** بررسی‌های تاریخی مؤید این مطلب است که اصل پوشش، پیش از اسلام رواج داشته است و اسلام فقط حد و مرز آن را مشخص نموده است. به عبارت دیگر، اسلام این رسم یا عادت را که در برخی جوامع به گونه‌ای شدید یا ضعیف بوده است، به حد اعتدال و حدود شرعی رسانیده و آن را اصلاح و تعدیل کرده و جزو فرائض دین قرار داده تا ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی را که نتیجه افراط و تفریطها در این زمینه بوده،

برطرف سازد. آنچه از آیات و روایات برداشت می‌شود، این است که لباس از منظر اسلام به سه نیاز پاسخ می‌دهد:

۱. لباس محافظ بدن در مقابل سرما، گرما و خطرات است. «خداوند از آنچه آفریده است سایه‌بان‌هایی برای شما قرار داد و از کوه غارهایی برایتان نهاد و تن‌پوش‌هایی را برایتان پدید آورد که شما را از گرما نکه می‌دارد و تن‌پوش‌هایی که شما را از (گزند) جنگتان نکه می‌دارد...»<sup>۹</sup>

۲. لباس سرمایه‌آراستگی، زیبایی و وقار است. «... و نیز جامه‌ای را که زینت است و لباس پرهیزگاری، باری بهتر است. این از آیات خداوند است، باشد که آن را درگیرند.»<sup>۱۰</sup>

۳. لباس حافظ عفت و حیا است. «ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو جلباب‌هایشان را بر خویش نیک بپوشانند، این کار برای این است که (به پاکدامنی) شناخته شوند و آزار نبینند.»<sup>۱۱</sup>

دین مبین اسلام دستورات زیبایی در باب حفظ عفت و لزوم پوشش دارد که خود نیاز به مباحث و بررسی فراوان در مقالات جداگانه دارد.



نظم و هماهنگی پوشاک دوران  
باستان، در قرون وسطی جای  
خود را به شکل و ظاهری  
شکوهمند داد و در عصر  
رنسانس پر زرق و برق شد و  
صورتی تجملاتی یافت.

با آغاز رنسانس و شکل‌گیری  
جنبش‌های ضد دینی در  
اروپا، حجاب به عنوان یکی از  
نمادهای اجتماعی دین‌داری،  
مورد هجوم علما و متفکران  
غربی قرار گرفت.

### تأثیر نوع حکومت‌ها بر پوشش<sup>۱۲</sup>

در هر جامعه‌ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان، علاوه بر آن‌که تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است، به طور قوی تابع جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ آن جامعه و حتی مبین و آیین آن جهان‌بینی است.

**دولت‌های سکولار:** نقش این دولت‌ها در حد یک هیأت مدیره اجرایی است و تعهدی که آنان در جامعه دارند، بیشتر به مسائل اجتماعی، اقتصادی باز می‌گردد. در این دولت‌ها، اعتقادات مذهبی نقشی را بر عهده ندارند. البته این به آن معنا نیست که این مسایل نفی می‌شوند یا از حجاب جلوگیری می‌شود. مسایل عقیدتی و مذهبی در حیطه مسایل فردی قرار دارند، نه مسایل اجتماعی. در این دولت‌ها فرد آزاد است بر هر عقیده که می‌خواهد باشد. البته افراد نباید عقاید خود را به جامعه تسری بخشند.

**دولت‌های لائیک:** این دولت‌ها برخلاف سکولارها، اعتقادات مذهبی را یک مسئله اجتماعی می‌دانند، چون معتقدند که این عقاید باعث عقب‌ماندگی جوامع می‌شود و دین در نظر آنان افیون جوامع است. لائیک‌ها نسبت به بروز و ظهور هر چیزی که به اعتقادات فردی برمی‌گردد، حساس می‌باشند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند تا جایی که در محیط‌های اجتماعی و مکان‌های دولتی، به مقابله با آن برمی‌خیزند. کارمندان دولت و یا

دولتمردان اجازه ندارند با حجاب در محیط کار و اداره حاضر شوند. در این دولت‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها محدود نمی‌شوند، بلکه سریع و آنی از بین می‌روند. این دولت‌ها برای از بین بردن خرده‌فرهنگ‌ها و گاهی فرهنگ‌ها، سعی در جایگزینی هر چه سریع‌تر آن‌ها با فرهنگی دارند که مطابق خواسته‌ها و عقاید خودشان باشد. سکولارها تا احساس خطر نکنند و اصطلاحاً کارد به استخوانشان نرسد، واکنش نشان نمی‌دهند؛ ولی لائیک‌ها با کوچک‌ترین احساس خطری واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها به مسایل ارزشی مانند حجاب، یک بُعدی نگریسته و از زاویه منفی بدان نگاه می‌کنند و سعی در ریشه‌کنی آن به عنوان یک ضد ارزش دارند.

**دولت‌های مذهبی:** این دولت‌ها چون براساس اعتقادات مذهبی شکل گرفته‌اند، نمی‌توانند نسبت به آنچه شریعت آن مذهب حکم می‌کند، بی‌تفاوت باشند. آن‌ها سعی در گسترش ارزش‌های مذهبی در جامعه دارند.

### نگاهی کوتاه به تاریخ پوشاک در اروپا

**ایتالیا در قرون میانه:** در این دوره پوشاک اصلی «بلیاد» بود. تونیک آستین بلند که نوع زنانه آن تاروی پا و مردانه آن تا بالای زانو می‌رسید. روی آن پوشش دیگری می‌آمد به نام «پالیوم» به شکل ردا که از روی شانه به جلو آمده و با قلاب یا سنجاق سینه بزرگ بسته می‌شد. زنان این

دوره بر سر پوششی به شکل مستطیل یا نیم‌دایره داشتند که تا شانه‌ها یا پایین‌تر از آن را می‌پوشاند. این سرپوش در حقیقت نوعی «پالا»ی رومی بود که اغلب، زنان ثروتمند تاج خود را روی آن می‌گذاشتند. **ایتالیا در دوران رنسانس:** تأثیر رنسانس بر لباس مردان بیش از زنان بود. در اوایل این دوران، پوشاک زنان بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های مذهبی یا سنتی بود. مردان این دوره از جوراب و شلواری تنگ و چسبان که از کمر تا پنجه پا را در خود می‌گرفت، استفاده می‌کردند.

**انگلستان قرون میانه:** در اوایل این دوران، مردان و زنان انگلیسی همچنان سه لباس اصلی، «استولا» یا لباس زیرین، «بلیاد» یا لباس رو و «پالا» یا شل که همان پوشاک اصلی یونانی - رومی بود را می‌پوشیدند. زنان موی سر خود را زیر روسری یا «هدریل» از جنس پارچه کتان پنهان می‌ساختند. این روسری به اشکال مختلف دایره، مربع و مستطیل بوده و مانند روسری چانه‌پوش ایرانیان و رومی‌ها، ضمن پوشاندن موی سر به دور گردن نیز پیچیده می‌شد. در صورت استفاده از تاج، آن را بر روی «هدریل» قرار می‌دادند.

**انگلستان دوران رنسانس:** در زمان شکسپیر، زن حق نداشت روی صحنه بیاید و نقش زن را پسران بازی می‌کردند. ۱۴ جامه بلند زنان که از پارچه‌های لطیف ساخته شده بود، دارای طرح‌های پیچیده‌ای بودند. زنان ساق پا را می‌پوشاندند و دامن





زنان به حدی بلند بود که روی زمین کشیده می‌شد. آن‌ها تا سال ۱۵۵۰ پوشش عجیبی برای سرشان به کار می‌بردند که مانند شیروانی شیب‌دار بود و تمام موها را می‌پوشاند. شل‌های زنانه بلند که جلوی آن باز بود و ردهای بزرگ و گشاد با آستین‌های پف‌دار، در این زمان عرضه می‌شد.

**انگلستان قرن ۱۹ میلادی:** زنان انگلیسی محافظه‌کار، برای این‌که اندامشان از زیر پیراهن نمایان نشود، چندین زیر دامنی از پارچه کتان و ململ با حاشیه‌های توردوزی می‌پوشیدند و روی پیراهن‌های یقه باز خود، یقه‌ای متشکل از چندین ردیف تور چین‌دار - یادگار ملکه الیزابت - می‌پوشیدند. از سال ۱۷۹۶ تقاضا برای پارچه فلافل انگلیسی به منظور تهیه شال و روسری رو به ازدیاد گذاشت.

**آلمان قرون میانه:** پیراهن مردانه تا میچ پا و زنانه تا روی زمین بود. زنان از لوازم آرایشی استفاده نمی‌کردند.

**آلمان قرن ۱۸ میلادی:** ویل دورانت در مورد زنان آلمانی می‌گوید: «آواز زنگ» اثر شیلر، تصویر کمال مطلوب یک زن

خانه‌دار را ترسیم می‌کند که بسیار باعفت بود و با عقل و درایت محفل خانوادگی را اداره می‌کرد و به دختران آموزش می‌داد. زن تابع شوهر، ولی معبود اطفال بود.<sup>۱۵</sup>

**اسپانیا در قرون میانه:** نمونه‌های اولیه لباس‌های ساده از دو قطعه تشکیل شده بود. یکی بلند و تا میچ پا و بدون آستین که «گاندورا» نام داشت و دیگری که روی آن می‌پوشیدند با آستین‌های بلند و فراخ و پیراهنی که به آن متصل می‌گردید. مرد و زن همواره با پیراهن، شلوار می‌پوشیدند.

**اسپانیا در قرن ۱۶ میلادی:** در زمان فیلیپ دوم که در سال ۱۵۵۶ میلادی به تخت نشست، عفاف و عصمت زنان نه تنها به وسیله مذهب و قانون، بلکه به وسیله شرافت حفظ می‌شد. زنان عقیف، تقریباً در انزوا به سر می‌بردند.<sup>۱۶</sup>

**اسپانیا در قرن ۱۹ میلادی:** زنان چهره خود را به استثنای چشم‌ها از مردان می‌پوشاندند و پاهای خود را محجوبانه از انظار پنهان می‌داشتند. گاهی در تماشاخانه‌ها حضور می‌یافتند، ولی در قسمت مخصوص نشسته و صورت خود را با تور می‌پوشاندند.

**فرانسه قرون میانه:** مردان و زنان، لباس‌های طرح رومی که شامل دو پیراهن و یک شل بود را می‌پوشیدند و در سده ۱۵، سرپوش عمامه‌ای شکل نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت که موها را می‌پوشاند.

**فرانسه دوران رنسانس:** مردان موی سر را دور تا دور امتداد خط چانه بلند می‌کردند و زنان به شیوه ایتالیایی و شبیه حضرت مریم (س) موی خود را از میان سر باز کرده و در پشت گردن می‌بستند و موها اغلب در کیسه‌ای ابریشمی پنهان می‌ماند.

زنان اشراف، شنلی از پارچه مرغوب داشتند که به دور اندام خود می‌پیچیدند و جلوی آن را می‌بستند.

**فرانسه قرن ۱۹ و ۲۰:** در قرن ۱۹ برای اولین بار صلاهی تغییر در نوع پوشاک به گوش می‌رسد و کت و دامن زنانه به بازار می‌آید. در قرن بیستم، کت و دامن پوشیدن اختصاص به خیابان‌ها یافت و از همان سال به بعد دامن‌ها کوتاه‌تر شد تا به زانو رسید و این امر موضوع و تحول بی‌سابقه‌ای در تاریخ پوشاک بوده است.

#### تحولات فرهنگی در غرب

اروپای بعد از رنسانس، دچار دگرگونی‌های عمیق فرهنگی گشت و موضوع پوشش که از مصادیق مستقیم فرهنگی می‌باشد نیز از این قاعده مستثنی نماند. اروپاییان که تا قبل از رنسانس از لحاظ پوشش، بسیار محجبه و کامل به نظر می‌رسیدند، در یک پروسه تاریخی و برنامه‌ریزی شده، همه چیز را به دست فراموشی سپردند و لباس‌های پوشیده خود را به کتب تاریخی پیوند دادند و تن به دریای پرتلاطم تحول و مد زدند. با آغاز رنسانس و شکل‌گیری جنبش‌های ضد دینی در اروپا، حجاب به عنوان یکی از نمادهای اجتماعی دین‌داری مورد هجوم علما و متفکران غربی قرار گرفت.

آنان تغییر در مصادیق فرهنگی را به علت بسته بودن فرهنگ قبل از رنسانس به خصوص فرهنگ دینی و دستورات مسیحیت لازم دانسته و معتقد بودند این تغییر به ویژه در احکام دینی ضروری و حتمی بوده است.

آنچه مسلم است، لباس پوشیدن شأنی از شئون انسان می‌باشد و در هر تمدن ارتباط

**تصادفی نیست که کت  
و شلوار مردانه غربی  
که امروز بر تن خیلی‌ها  
می‌بینیم، به این اندازه  
چسبیده به تن و لباس  
زنان تنگ و کوتاه است؛  
این همان میل به رخ  
کشیدن «تن» است، در  
مقابل «روح».**



به بیننده القا کند که انسان همه «تن» است و هنرمند باید به «تن» او توجه داشته باشد. برای مثال می‌توان به مجسمه «داوود» ساخت «میکل آنژ» اشاره کرد که نمونه بارز تغییر در فرهنگ اروپاست.

در نقاشی نیز تفاوت‌های آشکار به خوبی مشهود است. تصاویری که از صورت مریم مقدس (س) کشیده شده، خود نمونه بارز این ادعاست. تصاویر حضرت مریم (س) پیش از رنسانس، وی را زنی نشان می‌دهد که گویی از سنخ زنان معمولی کوچه و بازار نیست، در صورت او حجب و حیا و آزرمی خفته است که به وی حالتی ملکوتی و آسمانی می‌بخشد و نقاش او را شبیه هیچ کدام از زنان اطراف خود نمی‌داند و نمی‌بیند و تمام هنر خود را به کار می‌برد تا به او یک زیبایی معنوی ببخشد، اما نقاش دوره رنسانس و بعد از آن، مریم مقدس (س) را از آسمان به زمین می‌آورد و مدل خود را برای تصویرسازی او از میان زنان زیبای اطرافش انتخاب می‌کند. اکنون صورت مریم مقدس (س) زیبای دنیوی شده و آن شرم بی‌وصف، در صورت تابلوها دیده نمی‌شود. در حقیقت بعد از تحولات اروپا، انسان همه تن شد، به دور از روح مقدس و شرم درونی.<sup>۱۸</sup>

تصادفی نیست که کت و شلوار مردانه غربی که امروز بر تن خیلی‌ها می‌بینیم، به این اندازه چسبیده به تن و به اصطلاح قالب تن است و لباس زنان به حدی تنگ و کوتاه است که همانند لعاب نازکی بر روی جسم‌شان کشیده شده است. این همان میل به رخ کشیدن «تن» است، در مقابل «روح».

طراحان و دوزندگان لباس، با بهره‌گیری

مستقیمی با معنای انسانیت و تعریف انسان بودن در آن تمدن دارد. در اروپای بعد از رنسانس نه تنها حجاب و پوشش مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته، بلکه برهنگی و مدگرایی تبدیل به شاخصه‌ای مهم از دنیای مدرن گردید.

به نظر می‌رسد بیش از چهار قرن است که در اروپا خدا از صحنه زندگی غایب شده و در کلیسا عزلت گزیده است. معنویت به حاشیه زندگی خزیده و استخوان‌بندی فرهنگ و تمدن غربی تبدیل به یک استخوان‌بندی مادی شده است. تمدن طی چهار قرن اخیر در غرب، تاریخ نفی ارزش‌های معنوی و متعالی است و فرهنگ غرب، جلوه یک زندگی است که دیگر معنویت قدیسی در آن اصالت ندارد و انسان دیگر موجودی نیست که حامل «روح الهی» باشد. رنسانس ارزش‌های معنوی و خدایی را از انسان دور ساخت. به دنبال این تحول، سبک تازه‌ای در ادبیات و هنر اروپا به وجود آمد که در آن «انسان» محور و اصل و مبنای همه چیز بود، البته نه آن انسانی که در خود حقیقتی آسمانی دارد، بلکه انسانی زمینی، انسانی اصولاً مادی و دنیوی.<sup>۱۷</sup>

انسان‌گرایی که در این دوره در قالب ادبیات و هنر جلوه‌گر شد و از آن به عنوان سبک خاص «اومانیسم» تعبیر می‌شود، بیش از هر چیز در نقاشی و مجسمه‌سازی آشکار گردید. مجسمه‌سازی که انسان را موجودی کاملاً جسمانی و جهانی می‌بیند و هنر را در آن می‌داند که به «تن» او بپردازد. این است که ناگهان از زیر تیشه سنگ تراشان هنرمند، مجسمه‌های برهنه بیرون می‌آید که می‌خواهد بیش از هر چیز این احساس را



۴. احمدی، جواد؛ مستوری؛ مشهد: سخن گستر، ۱۳۸۸، ص ۶۱-۶۳
۵. جباری زاده، طاهره؛ حجاب و عفاف؛ قم: نورالسجاد، ۱۳۸۸، ص ۳۸
۶. مهدی آشنایی، علی؛ حجاب در ادیان الهی؛ قم: یاقوت، ۱۳۷۸، ص ۱۵۵
۷. تورات، سفر تثبیه، باب ۲۲، فقره ۵، سفر پیدایش، باب ۲۴، فقره ۶۴ و ۶۵
۸. جباری زاده، طاهره؛ همان، ص ۳۹
۹. نحل (۱۶)، ۸۱
۱۰. اعراف (۷۰)، ۲۶
۱۱. احزاب (۳۳)، ۵۹
۱۲. احمدی، جواد؛ همان، ص ۱۱۹-۱۲۳
۱۳. ترنویل کاکس؛ روت، همان، ص ۱۰۰
۱۴. ویل دورانت؛ تاریخ تمدن ۷؛ تهران: سهامی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۹۵
۱۵. همان، ج ۱۰، ص ۶۱۷
۱۶. کتاب پوشش و عفاف؛ همان، ص ۱۶
۱۷. پارسا، طیبه؛ پوشش زن در گستره تاریخ؛ قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۷، ص ۴۷-۴۹
۱۸. حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ فرهنگی و فرهنگی فرهنگی؛ تهران: سروش، ۱۳۶۳، ص ۲۹.

استفاده می کنند. بحران هویت و بریدن از گذشته تاریخی، فرهنگی و سنتی، همواره باعث می شود تا جوانان در جستجوی گم شده ای باشند و دغدغه های پیدا و نهان آن را در پناه بردن به گروه همسالان، رسانه ها و چشم دوختن و مدها و چیزهای عجیب و غریب بجویند و این تقلید کورکورانه گاهی چنان محسوس و نگران کننده می شود که تجلی این بیت مولانای گردد:

«خلق را تقلیدشان بر باد داد  
ای دو صد لعنت بر این تقلید باد.»

#### پی نوشت ها:

۱. ترنویل کاکس، روت؛ تاریخ لباس؛ مترجم: شیرین بزرگمهر؛ تهران: توس، ۱۳۲۷، ص ۶
۲. کتاب پوشش و عفاف، حریم ریحانه؛ مرکز هماهنگی توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی کشور، ۱۳۸۶، ص ۲۰
۳. گرافت، مایکل و هیزل، جان؛ فرهنگ اساطیر کلاسیک یونان و روم، مترجم: رضا رضایی، تهران: ماهی، ۱۳۸۴، ص ۴۶-۴۸

از گرایش مردم به تنوع طلبی و نوجویی و با استفاده از جریان هایی چون جنگ، بحران اقتصادی و تحولات فرهنگی و سیاسی؛ طرح های تازه ای را ارائه دادند و با استفاده از رسانه های گروهی چون سینما، تلویزیون، نشریات مد و ... آن را به جهان صادر نمودند و یک سلیقه نوین جهانی را در شیوه لباس پوشیدن پدید آوردند و دست به تحول پوشش مردم در سراسر جهان زدند.

اوایل این قرن، هنگامی که به کتب فرهنگ طبیعی، انسانی و جغرافیایی مراجعه می کردی، از تماشای مردم ماداگاسکار، هندوچین، ژاپن، اسکیموها، قفقازی ها و ... دچار حیرت می شدی. مردم دنیا را می شد از زبان، مسکن و لباس آنان تشخیص داد؛ اما از میانه قرن بیستم، به تدریج فرهنگ مسلط غربی، ویژگی های سنتی و محلی را محو کرد. امروز ژاپنی ها، عرب ها، هندی ها، آفریقایی ها و ... لباسی را بر تن می کنند که پارسی ها، لندن ها و لوکزامبورگی ها از آن